

قانون مجازات عمومی

در هر حال رویه فوق مورد نظر اکثریت علماء نیست و شاید بدلائل نامبرده است که اصل قضائی نیز از آن پیروی نکرده و ماده ۵۰ مکرر را در کلیه موارد تکرار و تعدد از جمله مورد (۱) نامبرده قابل اعمال میداند

۲ - کیفیات مشدده

علل موثره در تشدید مجازات

همانطور که کیفیات مخففه موجب ارفاق با مجرم و پائین آوردن مجازات او میگردد و همانطور که در بعض موارد بخصوصی قانونگذار پاره عوامل مؤثره در وقوع جرم یا شخص مجرم و وضعیت او و اطرافیاتش را سبب تخفیف مجازات میداند گاه هم ممکن است عوامل دیگری که در جهت مخالف قرار گرفته و بکیفیات مشدده نامیده میشوند موجب تحریک احساسات برفع آسیب دیده از جرم و سلب امید باصلاح مجرم یا معرفی از درجه شقاوت و پستی او و بالنتیجه تشدید مجازات وی گردند.

عوامل مزبوره ممکن است بچندین دسته تقسیم و هر کدام علل و موجباتی علیحده و مخصوص بخود داشته باشند چنانچه بعضی از نظر شخص مجرم مؤثر اند؛ درباره اعمال منافی عفت درجه خوناوندی و موجب تشدید است یا تکرار جرم که حاکی از عدم اصلاح شخص و مؤثر نبودن مجازات های قبلی و برخلاف خطرناک بودن شخص مجرم و یا در تعدد جرم معرف شقاوت و سخت دلی و بقاء مجرم بر نیت جزائی خود و رفع هرگونه شائبه در انفاقی بودن جرم او است برخی از نظر شغل و مقام شخص مجرم مؤثر اند؛ سمت للگی

(۱) تصمیم دیوان عالی تمیز شماره ۴۰۰/۱۰۷۷/۲۰

بر نقض در مورد محکومیت متهم بسرقت بحبس تأدیبی در صورتیکه پیش از در سابقه محکومیت جزائی دارد

و دایگی یا معلمی یا داشتن شغل و مأموریت دولتی که برای حفظ و حراست مال یا نظم عمومی بمجرم داده شده و او مقام مزبور را وسیله استفاده نامشروع خود قرار دهد - پاره دیگر از عوامل نامبرده از نظر زمان وقوع جرم دارای اثر اند؛ سرقت هنگام شب (که مجازاتش شدیدتر از سرقت عادی است) دسته از حیث مکان وقوع (سرقت بوسیله شکستن درب و پنجره -

دسته دیگر از جهت وسایل بکار برده شده از طرف مجرم؛ مثل اعمال زور و عنف در اعمال منافی عفت یا غصب عناوین و مشاغل برای انجام قصد مجرمیت یا استعمال اسلحه و امثال آن و بطور کلی مجموع عواملی که دلالت بر نیت راسته شخص بانجام جرم و بلکه درجه پستی فکر و سخت دلی مجرم را برساند و موجبات از جاز و تنفر جامعه را فراهم کند تمام از کیفیات مشدده اند

لیکن در کلیه موارد که عوامل نامبرده سبب تشدید شود نکته قابل توجه و فراموش نشدنی لزوم اشاره آنها در قانون است؛ برخلاف کیفیات مخففه که باختیار مطلق قاضی و هر زمان و در باره هر کس آنرا مقتضی بدانند عملی میسازد و در کیفیات مشدده شرط اساسی اعمال آن وجود نص تصریح قانونی و انطباق هر مورد با ماده مخصوص است بنابراین قاضی نمیتواند بمیل خود ولو آنکه منتهای درجه شقاوت و بی رحمی هم از مجرم مشاهده نماید درباره او تشدید مجازات قائل شود فقط اختیاری که دارد آنستکه از حد اکثر مجازات مقرر برای آن دسته از مجرمین در باره چنین شخصی استفاده کند.

نکته قابل توجه دیگر در کیفیات مشدده تشخیص و تمیز آنهاست از عناصر مشکله جرم چه همانطور که در گذشته دیدیم عناصر مشکله جرم

در تعدد جرم

وحدت عامل

گاه ممکن است شخص واحدی مرتکب جرائمی چند گردد که هم نوعاً باهم فرق داشته و هم دارای شرایط و کیفیات مخصوصی باشد مثلاً تمام جرائم مزبوره را بفاصله کوتاهی مرتکب شده بدون آنکه در فاصله آنها بحکم قطعی و لازم الاجراء محکوم شده باشد - یا تمام جرائم نامبرده را در يك محل و زمان واحدی انجام داده و یا برعکس قبلاً مرتکب جرائمی شده که حکم قطعی لازم الاجراء در باره آنها صادر شده و پس از اجرا یا در حین آن باز هم شخص مرتکب جرائم دیگری گردیده که در حالت اول تعدد جرم و در حالت اخیر تکرار جرم صادق است

۱ - تعدد جرم - و آن « چنانچه گفتیم » عبارت از آنستکه شخص واحدی مرتکب جرائمی چند (خواه از يك نوع و خواه بطور مختلف) گردد بدون آنکه در فاصله آنها بحکم قطعی و لازم الاجراء محکوم شده باشد.

پس شرط مهم و اساسی در تعدد جرم وقوع جرائم مستقل و متمایز از هم است که هم از نظر عوامل داخلی (تشکیل دهنده جرم از قبیل قصد و اراده - شخص مجرم و آسیب دیده از جرم) و هم از نظر عوامل خارجی از جرم قبلی جدا باشد و هم بوسیله شخص واحدی انجام گردد بنابر تعریف فوق در موارد ذیل اعمال مجرم مشمول تعدد نمیشوند و جرم واحدی را تشکیل میدهند:

۱ - در جرائم مستمر - چه در اینجا اراده مجرم بطور مستمر و تا ختم عملش راسخ بر انجام يك جرم است ب - در جرائمی که تنها عمل واحد شخص کافی برای وقوع نبوده بلکه اعمالی چند (که ممکن است دو قانون جرم علیحده محسوب گردند) برای تهیه مقدمات و نیل بمقصود اصلی که جرم مورد نظر است لازم باشد و یا اعمالی که بعداً واقع و یا جرم قبلی تلازم مخصوص دارند مثل بالا رفتن از خانه و شکستن درب و پنجره برای سرقت، در حالت اول و اخفاء مال مسروقه در حالت دوم

عواملی هستند که بدون جمع شدن آنها جرم واقع نمیشود مثل وجود قصد در غالب جرائم یا شخص فاعل و امثال آن - که بدون یکی از عناصر مزبوره بکلی اساس مجرمیت و وقوع جرائم را بهم میزند برخلاف کیفیات مشدده عواملی هستند که از حواشی جرم محسوب و بدون وجود آنها هم جرم واقع و تأثیری در اصل آن ندارد فقط در هر جرمی که کیفیات نامبرده جمع و با شرایط قانونی وفق دهد سبب بالا بردن مجازات مجرم خواهد بود مثل عمل سرقت که با مسلح بودن سارق یا بالا رفتن او از دیوار یا وقوع عمل هنگام شب یا شکستن درب و پنجره و امثال آن انجام گیرد

فایده تشخیص مزبور در تأثیر آن در حالات فرد فرد مجرمین ظاهر میشود مثلاً عناصر متشکله جرم در جرائمی که چند نفر در آنها شرکت دارند در باره فرد آنها باید موجود باشد برعکس وجود کیفیات مشدده در نزدیکی از مجرمین موثر در باره سایرین نیز خواهد بود مثل آنکه در سرقت مسلح کافی است یکی از شرکاء دارای اسلحه باشد یا همگی مشمول ماده مربوطه باین جرم گردند

پس بشرحیکه دیدیم کیفیات مشدده هر کجا موجود و با قانون تطبیق کند قاضی موظف بر رعایت است شرح بکلیات کیفیات نامبرده با آنکه در خود قانون و در تحت مواد مختلف بطور وضوح داده شده ما را از بحث در هر قسمت آن مستغنی میدارد (مثلاً در اعمال منافی عفت که بطور عادی جرم است وجود کیفیات مشدده: اعمال زور - درجه قربت طرفین یا سمت و شغل یکی نسبت بدیگری و امثال آن مشروحاً در قانون ذکر است همچنین راجع بسرقت و سایر موارد تشدید) فقط آنچه که در اینجا شایسته بحث بیشتری است همانا موضوع تکرار و تعدد جرم است که از نظر اهمیت مخصوص آنها در عصر اخیر و توجه بسزائی که علماء حقوق جزائی در آن نموده اند ما نیز بشوبه خود و در تحت عنوان خاصی بدان اشاره میکنیم: